

من در کورچه کوچۀ این شب‌ها

و شب شب این کورچه‌ها

هر بار که به خود رفتم،

- نشد که برگردم.

و هر بار که برگشتم،

- نشد که به خود برسم.

چه شبی است شب این کورچۀ عجیب بزرگ

و چه کورچه‌ای است، کورچۀ این شب عجیب‌ترین!

حقّ سکوت

جز به «فریاد» ادا نمی‌شود

و آزادی مهتاب

جز در تاریکی نیست!

بدان جنبنده واژه کدام ناتمام شعر

و چه ترانه محتومی هستیم

بدان، بدان، بدان!

پنجره پیامبر

کریم فیضی

مطبوعات دینی

۳۰۰۰ / اول

رقعی / ۱۸۸

قدس / ۱۳۸۵

شابک: ۳ - ۳۶ - ۸۸۱۸ - ۹۶۴

ISBN: 964 - 8818 - 36 - 3

۸۵۰ تومان.

خیابان ارم، شماره ۲۸۵

تلفن: ۷۷۴۹۳۶۱ - ۷۷۴۲۸۴۷

دورنگار: ۷۷۴۹۳۶۲



پنجره پیامبر
- زمانی بر اساس سکوت‌های مکتوب -

۷	حکایت یک چشم
۱۰	محکوم زندگی
۱۳	کودک‌ها و معلم‌ها؛ بی‌پایان و پایان
۱۷	سرنوشت برگ‌ها
۲۱	دغدغه‌ای از یونان
۲۳	پنجره‌ای رو به کودکی
۲۵	زیر طاق هیچ!
۲۸	تکلیف مجهول‌ها
۳۲	دریچه‌ی خواهر
۳۵	روزگار سپری شده
۳۸	در انتظار حادثه
۴۰	خدا حافظی بزرگ
۴۲	در انتظار نوزاد
۴۵	آسمان، دو اسم یک کودک
۵۱	بر ضریح پنجره
۵۳	دست‌های بی‌نهایت
۵۶	خواستگاری‌های دیگر
۶۰	از هستی به خود؛ رسیدن به نرسیدن

۶. پنجرهٔ پیامبر ۶

یک کوچه، دو انتظار ۶۴

مرغ عشق ۶۸

می‌شنوی همسایه؟ ۷۳

میان کشف و تحیر ۷۷

خسته از کشف ۸۴

یا حیات! ۸۷

گفتگو با پدر ۹۲

نامه‌ای به وصیت ۹۴

راز فرشتهٔ ناتنی ۹۷

آرزوی پنجره‌گشایی ۱۰۰

حنجرهٔ شکسته ۱۰۳

سفر به لعل باغ ۱۰۷

کجاست خانهٔ عشق؟ ۱۱۰

از پنجره به دست ۱۱۲

از پنجره تا او ۱۱۵

نبوت پنجره ۱۱۸

هستی، عشق، طوفان ۱۲۱

مؤخره

از پائولو تا جبران خلیل ۱۲۴